



عبدالاحمد فیض

مبانی شرعی و اسباب اثبات حکم مجازات سنگسار

در دین اسلام قتل انسان از بزرگترین جنایت محسوب میگردد ، اما علی الرغم آن در بخش های از روایات دینی ریختن خون مسلمان فقط در سه مورد استثنائی مجوز شرعی کسب مینماید مشروط بر اینکه کلیه اسباب و ادله اثبات عمل بمثابه جنایت حدود تحقق یابد و این موارد عبارتند از: زنا بعد از احصان، ارتداد بعد از اسلام و قتل ناحق.

که درین خامه ، مجازات رجم یا سنگسار، دلایل اثبات و چگونگی کاربرد این مجازات در وضعیت کنونی جامعه ما و عدم سازگاری و یا تقابل اینگونه مجازات را با نظام حقوقی مدرن و سیستم حقوقی مدون بطور مؤجزمورد بحث و کنکاش قرار میدهم.

جزاء رجم زدن یا سنگسار از مجازات حد شرعی است که در صورت اثبات بالای مرتکبین زنا (زانی و مزنیه) بعد از فیصله دادگاه شرعی تطبیق میگردد و فقط در حالتی حکم شده میتواند که زن ، محصنه و مرد محصن بوده و قبلاً ازدواج کرده باشند.

در تاریخ مجازات و سنت اسلامی شدید ترین نوع مجازات بعد از ارتداد همانا مجازات امیزش جنسی خارج از چهارچوب ازدواج و بخصوص تماس جنسی مردان و زنان متاهل دانسته میشود اما از آنجائیکه این نوع مجازات در قرآن مجید بمثابه اصلی ترین و بارزترین منبع حقوق اسلام ، صراحت چندانی نداشته و در قالب یک آیه تجلی نیافته است پیوسته اختلاف نظرهای را بمثابه یکی از مباحث مهم حقوقی و شرعی در قبال داشته است. اما علی الرغم نظریات و تئوریهای مختلف و متضاد آنچکه بمثابه نقطه انسجام فکری و اتفاق نظر در میان فقها ، محققین و محدثان حقوق اسلامی اهمیت کسب مینماید همانا باور و اعتقاد جمعی محققان اسلامی مبنی بر نزول و وجود آیه قرآنی مبنی بر حکم رجم و یا سنگسار به پیامبر اسلام است که به استناد بر آن پیامبر اسلام (ص) در زمان حیاتش چند حکم سنگسار مبنی بر محکومیت زنا کاران را صادر نموده است ، هکذا محدثان بدین باورند که آیه قرآن مجید که متضمن اجرای مجازات سنگسار بالای مرتکبین معاشرت جنسی خارج از چارچوب نکاح بود ، در دوران خلافت حضرت عثمان در حین تدوین قرآن مکتوب نگردید و اما حکم آن هرگز نسخ نگردیده است ، چنانچه نزول آیتی از قبیل آیه ای در سوره نساء که حاوی حکم زندان برای مزنیه (زن متاهل) است تا که در زندان بمیرد و نیز تجویز صد ضرب شلاق برای زن و مرد مجرد مصداق روشن حکم مجازات رجم بمثابه یک نص شرعی در دین اسلام است .

بدیهی است که مجازات حدود و قصاص در سده های پسین ، موازی به سطح رشد و انکشاف سریع جوامع اسلامی و ایجاد ساختارهای مدرن قانون گذاری درین کشورها و بویژه در خصوص امیزش جنسی غیرمجاز، رنگ باخته است و طرفدار چندانی ندارد اما در عده از کشورهای اسلامی از مجازات حد شرعی کماکان بمثابه اصل عمده در نظام جزائی پیروی نموده و موجودیت مجازات شرعی در قالب حد و قصاص را نماد بارزی از میزان مشروعیت یک حاکمیت دینی می پندارد، ولی آنچکه مایه نگرانی جدی در زمینه مجازات حد شرعی در برابر مرتکبان جرایم

جنسی در برخی کشورهای اسلامی و بخصوص در ساحات تحت حاکمیت گروه‌های افراطی و رادیکال مذهبی پنداشته می‌شود، همانا کاربرد غیرمجاز و بدون ادله اثبات مجازات حد و بویژه در زمینه جرم زنا است، که نه به هدف حراست از جامعه از گسترش جرایم منافی اخلاق مورد تطبیق قرار گرفته بل در راستای استحکام سیطره و حاکمیت توتالیتردینی و یا برای ایجاد رعب و وحشت مردم بخاطر اطاعت بدون چون چرای شورشیان مذهبی در جاهای صورت می‌گیرد که چنین جنگجویان در آنجا تسلط نظامی داشته و ازینگونه مجازات در برابر بی‌گناهان تحت لوا و پوشش دین به قصد استمرار حضور ظالمانه و غیرانسانی شان بهره می‌گیرند. بگونه مثال بمنظور اثبات زنا و شرایط حد (سنگسار) موجودیت دلایل ذیل حتمی پنداشته شده که دین حکم می‌کند و قاضی را ملزم بر رعایت آن میدانند:

الف- اعتراف بجرم

ب- موجودیت چهارگواه یا شاهد عاقل، بالغ و صادق

الف - اعتراف بجرم: اعتراف عبارت است از اظهار حقیقت توسط زانی و مزنیه که بدون اکراه، تخویف و تهدید در چهارمجلس و یا چهاربار در حضور دادگاه عادل صورت می‌گیرد. فلهاذا هرگاه مجرم در سه مجلس و یا سه مرتبه بجرم خویش اعتراف و در مرتبه چهارم انکار نماید که فعل آمیزش جنسی را انجام نداده است، حامله بوده و یا به اجبار مرتکب عمل شده است، جزای حد شرعی بطور مطلق منتفی می‌شود و احتمال تعزیر آن وجود دارد. هکذا توبه نمودن و ابراز ندامت از عمل مورد دیگری است که میتواند راه را برای اسقاط مجازات رجم فراهم نماید.

ب- شهادت چهار شاهد عاقل و بالغ که بدون تهدید، فشار و تخویف به اراده آزاد در مجلس قضا چنان ادای شهادت نماید که زانی و مزنیه را دقیقن در حین آمیزش مشاهده کرده اند، لذا هرگاه اعتراف صریح وجود نداشته و شاهدین از ادای شهادت حتی یک فرد آن انصراف ورزد و یا چهار شاهد حضور نیابد دیگر شرایط حد شرعی منتفی میگردد.

فلهاذا با توجه به اینکه جرایم جنسی و بخصوص جرم زنا کرکتر نهایت پنهانی داشته و حضور چهار شاهد در چنین یک عملکرد مخفی مجرمانه مقدور و عملی نبوده است لذا اثبات جرم آمیزش جنسی با در نظر داشت شروط فوق به ندرت قابل اثبات بوده و با ایجاد شبهه حد زنا ساقط میگردد. هکذا گذشته تاریخی مجازات حد جرم زنا در تاریخ مجازات اسلامی بوضوح بیانگر این حقیقت است که مجازات حد زنا با توجه به محرمیت و سختگیری های نصوص دینی در زمینه، هرگز به پیمانانه وسیع جنبه عملی کسب نه نموده و این امر موجب آن گردیده است تا در پرتو نظام حقوقی مدرن در جهان، کشورهای اسلامی نیز به جرم انگاری جرایم نافی اخلاق و بخصوص جرم آمیزش جنسی در نظام جزائی شان مبادرت ورزیده و مجازات تعزیری را تدوین نماید و بدین گونه زمینه های لازم و اجتناب ناپذیر بمنظور اسقاط جزای حد زنا به پیمانانه وسیع فراهم گردید. چنانچه این موضوع در مواد (۴۲۵) و (۴۲۷) قانون جزاء کشور صراحت دارد.

بایست اذعان داشت که افغانستان در سالهای پسین بیشترین میزان تطبیق بی رویه و بدون دلایل اثبات مجازات حد را در جرم زنا شاهد بوده که توسط گروه های بنیادگرمذهبی و مخالفان مسلح دولت در مناطق تحت کنترل این نیروها بدون ادله اثبات یعنی اعتراف آزادانه و عاری از عنف و اکراه متهم و شهادت شهود، فقط در محور تفکر افراطیت دینی و قرائت کاذب از دین بر بی گناهان عملی گردیده است مثلاً تماس تلفونی دوشیزه جوان با یک مرد، فرار از منزل به قصد ازدواج، متهم شدن زن غیر محصنه یا مجرد به زنا، مواردی است که حکم رجم در آن منتفی است و اما چنین قضایا به قتل افراد منتهی گردیده است که نه تنها در تناقض آشکار با ارزشهای حقوقی مدرن قرار داشته بل بمثابه یک جنایت هولناک با دساتیر و نصوص دینی نیز همخوانی ندارد.

